



مراسم تجلیل از ۱۰ پدربزرگ برگزیده محله ایثار برگزار شد

طعم شیرین «مغربادوم»

دیگر از شاخص‌هایی است که یوسفی به آن اشاره می‌کند و می‌افزاید که پویش، با استقبال اهالی محله، همراه شده است. استناد او به حدود چهل پدربزرگی است که اطلاعات لازم را برای شرکت در این برنامه، ارسال کرده‌اند. نتیجه، انتخاب ۱۰ نفری است که تا لحظاتی دیگر، نام آن‌ها قرائت می‌شود تا با سلام و صلوات، به جایگاه بیایند و هدایای خود را از معاون فرهنگی شهرداری منطقه ۴ دریافت کنند.

● ○ خدا روزی رسان است

هرکدام از برگزیده‌ها، قصه‌ای خواندنی از ماجرای زندگی‌شان دارند که از دواج بهنگام، ساده زیستی، فرزندآوری و تکرار این الگو برای نسل بعد از خود، در آن مشترک است. حجت الاسلام والمسلمین ... بخش یوسفی یکی از آن‌هاست که در پنجمین دهه از عمر خود، صاحب ثروتی بزرگ از جنس چهارنوه است. شهروند محله ایثار می‌گوید: در بیست و سه سالگی ازدواج کردم، در بیست و چهار سالگی پدر شدم، دخترم را در بیست سالگی‌اش به خانه بخت فرستادم و اولین بار، مزه نوه دار شدن را در چهل و شش سالگی چشیدم. او با بیان اینکه پسرش هم در بیست و پنج سالگی ازدواج کرده است، از اعتقادش به روزی رسان بودن خدا این طوری می‌گوید: من و همسرم ابتدای زندگی هیچ نداشتیم. شهریه طلبگی ام کفاف نصف کرایه خانه را هم نمی‌داد اما خدا طبق فرموده‌اش در قرآن از جاهایی که گمانش رانمی‌بردیم، روزی مان را رسانید. ما با توکل، زندگی را پیش بردیم و ازدواج و فرزندآوری را با حساب و کتاب‌های مادی به تأخیر نینداختیم.

است، از صفر تا صد برنامه، خبر دارد و با خوش رویی و عجله، کوتاه می‌گوید که همه این زحمات به واسطه دغدغه رهبر معظم انقلاب در موضوع جوانی جمعیت، کشیده شده و نیز تأکید روی جایگاه مهم پدربزرگ‌ها که متأسفانه تا الان کمتر به آن توجه شده است.

● ○ چهل پدربزرگ داوطلب

یک باید ساده، شرط لازم و کافی برای شرکت پدربزرگ‌های محله ایثار در این پویش بوده است؛ اینکه حداقل سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴، طعم شیرین نوه دار شدن را چشیده باشند. پدربزرگ‌ها هر چه جوان‌تر باشند و تعداد نوه‌هایشان بیشتر باشد، ضریب امتیاز و شأنس برنده شدن آن‌ها در این پویش محلی، بیشتر بوده است. قرار داشتن در جامعه صاحب احترام ایثارگران، یکی



فرزانه شهامت | نماز جماعت مغرب و عشا به پایان رسیده است اما جمعیتی که در مسجد صاحب الزمان (عج) گرد هم آمده‌اند، بنای ترک کردن آن را ندارند. در چهره‌ها و همه‌همه‌ای که به راه انداخته‌اند، شادی و لبخند، حرف اول و آخر را می‌زند. هم‌زمانی مراسم با اعیاد شعبان و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بهانه‌های لازم را برای شرور حاکم، دوچندان کرده است. کسی از جست و خیزها و شیطنت کودکانی که با والدین و پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود، به مراسم آمده‌اند، گله‌مند نیست. آن‌ها مغز بادام‌هایی شیرین و خواستنی هستند که وجودشان، دلیل تجلیل از پدربزرگ‌های محله ایثار در «پویش مغز بادوم» به شمار می‌رود.

● ○ از مهدویت تا فرزندآوری

انتخاب سخنران از میان استادان حوزه علمیه و مدرسان دانشگاه علوم اسلامی رضوی، غنای مراسم را دوچندان کرده است. حجت الاسلام والمسلمین مرتضی امین‌نیا، با وجود سروصدای مدیریت ناشدنی نوه‌ها، با آرامش و تسلط، موضوع مهدویت را پیش کشیده است و درباره موضوع فرزندآوری و شرایط کنونی صحبت می‌کند. شنوندگان، مشغول استفاده از ثمرات برنامه‌ای هستند که حاصل دست‌کم دو ماه پیگیری، برنامه‌ریزی و همکاری بین شهرداری منطقه ۴ و شورای اجتماعی محله ایثار است. مهران یوسفی جوان بیست و هفت ساله‌ای که نایب رئیس شورای اجتماعی محله ایثار

● ○ در چنین شرایطی قرار گرفته‌ای که مجبور به استراحت و ترک تمرینات شوی؟

بله متأسفانه. دو سال پیش در مسابقات کشوری، بعد از یک دهه ورزش، اولین بار آسیب جدی دیدم و از ناحیه کتف، دچار دررفتگی شدم. یک سال، ورزش را کنار گذاشتم و چند ماهی هست که دوباره بدن‌سازی و تمرینات را با مراعات شرایطم، شروع کرده‌ام.

● ○ از کمر بند و افتخارات بگو.

دان ۲ مشکی دارم. به دلیل محدودیت سنی تا پایان بیست سالگی، امکان ارتقای کمر بندم وجود ندارد. ۲۳ مدال به دست آورده‌ام که سی تا از آن‌ها طلاست. در چند مسابقه استانی هم داور بوده‌ام.

● ○ کدام یک از مدال‌هایی که به دست آوردی، برایت خاطره‌انگیزتر است؟

طلای مسابقات قهرمان قهرمانان در سال ۱۴۰۲، طلای مسابقات آسیایی ۲۰۱۹، طلای مسابقات کشوری در سال ۹۷، ۹۸، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ... راستش همه‌شان برایم شیرین هستند.

● ○ از اهداف ورزشی‌ات بگو.

شرکت در مسابقات جهانی برایم مهم است. سال ۱۴۰۲ فرصت حضور در تیم ملی و شرکت در مسابقات جهانی هلند را پیدا کردم اما به جز هزینه‌های زیاد سفر، گذرنامه‌ام هم به موقع آماده نشد و اعزام نشدم.

● ○ شغل و رشته دانشگاهی که انتخاب کردی، به علاقه ورزشی‌ات مرتبط است؟

شغلم نه، اما انتخاب رشته کارشناسی علوم ورزشی در دانشگاه عطار که الان در ترم چهارم آن هستم، دقیقاً به خاطر عشقی بود که بعد از آشنایی با کاراته، به دنیای ورزش پیدا کردم.

همراه با دختر رزمی‌کار منطقه ما
از کتک خوردن در مبارزه تا ایستادن بر سکوی قهرمانی

شیطنتی که جرقه قهرمانی شد



از همان ابتدا علاقه‌مند نشدم؛ چون در مبارزه‌ها کم می‌آوردم و از حریف‌هایم کتک می‌خوردم. چند ماهی که گذشت، حس خوبم به این رشته شروع شد، و تا الان که نوزده ساله هستم، ادامه داده‌ام.

● ○ از دوستان و اطرافیان،

کسی را به این رشته دعوت کرده‌ای؟

چند نفری جذب شدند. تا کمر بند نارنجی هم بالا آمدند، اما رها کردند.

● ○ چه دلیلی باعث شد تو ادامه بدهی

ولی دوستان، نه؟

آرامشی را که از این رشته به دست می‌آورم، نمی‌توانم توصیف کنم. حس می‌کنم اگر مدتی به باشگاه نروم و زیر نظر خانم حسینی تمرین نکنم، افسرده می‌شوم.



فرزانه شهامت | شیطنت‌های باران تقوی، بیش از آستانه تحمل خانواده و اطرافیان‌ش بود. ثبت نام کودک بازگوش محله مهر مادر در یک کلاس رزمی، هر چند در ابتدا با هدف تخلیه انرژی و انجام شد، فقط چند ماه مداومت در تمرین فنون و تکنیک‌های کاراته، طوری او را شیفته این رشته ورزشی کرد که با گذشت دو دهه سال فعالیت، کسب ۲۳ مدال بین‌المللی، کشوری و استانی، بخشی از نتایج آن است.

● ○ از شروع فعالیت‌های ورزشی‌ات بگو.

از آن بچه‌هایی بودم که از دیوار راست بالایی روند. یادم است معلم ورزش مدرسه، همه‌اش می‌گفت «بگو مادر ت بیاید؛ کارش دارم.» می‌خواست مادر مرا راهنمایی کند که من را در کلاس ورزشی ثبت نام کند تا شاید انرژی‌ام تخلیه شود و آرام بگیرم. هشت ساله بودم که مادر من را برای کلاس‌های تابستانی در باشگاه نزدیک خانه‌مان در محله مهر مادر ثبت نام کرد؛ در رشته کاراته، زیر نظر شیهان مرضیه حسینی.

● ○ از میان انواع رشته‌های رزمی، چرا کاراته را انتخاب کردی؟

این رشته را نمی‌شناختم و کسی از اطرافیان، تجربه آن را نداشت. همین که باشگاه، نزدیک خانه بود و در پرس و جوها گفته بودند کاراته، رشته پرتحرکی است و خانم حسینی مربی خوبی است، برایم کافی بود.

● ○ و به این رشته علاقه‌مند شدی و ادامه دادی؟